



## The Second Iran-Ottoman Delimitation Commission: Unsuccessful Diplomacy

Nasrollah Salehi<sup>1</sup>

1. Associate professor, Department of History, Farhangian University, Tehran, Iran (n.salehi@cfu.ac.ir)

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history:**

Received: 31 July 2025  
Received in revised form:  
09 September 2025  
Accepted: 12 November 2025  
Published online: 11 March 2026

**Keywords:**

*Iran,*  
*Ottoman,*  
*Second Commission,*  
*Delimitation,*  
*Diplomacy*

### ABSTRACT

Iran and the Ottoman Empire had a relationship full of many ups and downs over the centuries. Following the signing of the Second Treaty of Erzurum on 16 Jumadi al-Thani 1263 AH/ June 1, 1847, efforts to resolve the two countries' disputes, focusing on border delimitation, began. The activity of the first border delimitation commission, which lasted from 1266 to 1268 AH (1850-1852 AD), ended without result, and the disputes between the two governments remained unresolved. Twenty-four years after the end of the first commission, with the mediation of Russia and England, preparations were made for holding the second commission in Istanbul. Over the course of two years, four rounds of negotiations took place (from Shawwal 17, 1291 AH/ December 26, 1874, to Dhul Hijjah 8, 1292 AH/ January 5, 1876). The study attempts to explain, using a descriptive and analytical approach and based on newly discovered documents, how and why the Second Commission was held and the reasons for its postponement and suspension. The research findings indicate that negotiations were postponed due to internal crises in the Ottoman Empire, followed by the Balkan uprising and Russia's declaration of war on the Ottoman Empire (April 24, 1877/ Rabi' al-Thani 10, 1294). Diplomatic efforts by Iranian representatives to resume negotiations failed due to the unwillingness of the representatives of the three governments of Russia, Britain, and the Ottoman Empire, and the Second Commission for Delimitation was suspended. Once again, diplomatic efforts to resolve the Iranian-Ottoman disputes failed.

**Cite this article:** Salehi, N. (2026). The Second Iran-Ottoman Delimitation Commission: Unsuccessful Diplomacy. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 58(2), 24-43.  
DOI: 10.22059/jhic.2025.399798.654595



## کمیسیون دوم تحدید حدود ایران و عثمانی: دیپلماسی نافرجام ۱۲۹۱-۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۶-۱۸۷۴م.

نصرالله صالحی✉

n.salehi@cfu.ac.ir

۱. دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۵/۰۹</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۶/۱۸</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۸/۲۱</p> <p><b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۴/۱۲/۲۰</p> <p><b>کلید واژه‌ها:</b> ایران، عثمانی، کمیسیون دوم، تحدید حدود، دیپلماسی.</p>	<p>ایران و عثمانی طی سده‌های متمادی روابط بسیار پُر فرازونشیبی داشتند. پس از امضای عهدنامه دوم ارزنة‌الروم در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳/ ۱ ژوئن ۱۸۴۷ کوشش‌هایی برای حل اختلاف‌های دو کشور، با تمرکز بر تحدید حدود، آغاز شد. فعالیت نخستین کمیسیون تحدید حدود که از ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۸ق. / ۱۸۵۰-۱۸۵۲م. به درازا کشید، بدون نتیجه پایان یافت و اختلاف‌های دو دولت همچنان پابرجا ماند. بیست و چهار سال بعد از پایان کمیسیون اول، با وساطت روس و انگلیس، مقدمات برگزاری کمیسیون دوم در اسلامبول فراهم شد و در طول دو سال، چهار دور مذاکره انجام شد. جستار حاضر می‌کوشد به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به اسناد نویافته، چرایی و چگونگی برگزاری کمیسیون دوم و علل تعویق و تعلیق آن را تبیین کند. یافته‌های پژوهش حاکی است با بروز بحران‌های داخلی در عثمانی و سپس شورش پالکان و اعلام جنگ روسیه به عثمانی (۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ / ۲۴ آوریل ۱۸۷۷) مذاکرات به تعویق افتاد. تلاش‌های دیپلماتیک نمایندگان ایران برای ازسرگیری مذاکرات به دلیل عدم تمایل نمایندگان سه دولت روس، انگلیس و عثمانی، به نتیجه نرسید و کمیسیون دوم تحدید حدود تعلیق شد. یک‌بار دیگر تلاش‌های دیپلماتیک برای حل‌وفصل اختلافات ایران و عثمانی نافرجام ماند.</p>
<p><b>استناد:</b> صالحی، نصرالله (۱۴۰۴). کمیسیون دوم تحدید حدود ایران و عثمانی: دیپلماسی نافرجام ۱۲۹۱-۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۶-۱۸۷۴م. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۸(۲)، ۲۴-۴۳. DOI: 10.22059/jhic.2025.399798.654595</p>	
<p style="text-align: center;">© نویسنده‌گان.      ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. DOI: 10.22059/jhic.2025.399798.654595</p>	

## مقدمه

روابط ایران و عثمانی، در طول سده‌های متمادی، بسیار پُر فرازونشیب و همیشه توأم با جنگ و صلح بود. دو دولت در دوره‌های مختلف، برای پایان دادن به اختلاف‌ها، عهدنامه‌های متعددی منعقد کردند. آخرین و مهم‌ترین معاهده‌ای که پایه و اساس حل اختلافات دو کشور شد، عهدنامه دوم ارزنه‌الروم بود. این عهدنامه بعد از حدود چهار سال مذاکره نمایندگان دو کشور با وساطت نمایندگان روس و انگلیس، در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ / ۱ ژوئن ۱۸۴۷ به امضا رسید.<sup>۱</sup> بر اساس ماده سوم این عهدنامه، مقرر شده بود کمیسیونی چهارجانبه برای تعیین حدود ایران و عثمانی تشکیل شود. نمایندگان چهار دولت در بغداد گرد آمدند (۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۹ م.) تا بعد از تهیه مقدمات، کار تعیین حدود را از محمّره/ خرمشهر آغاز کنند. دولت ایران میرزا جعفرخان مشیرالدوله و دولت عثمانی درویش‌پاشا را برای این کار انتخاب کردند. نمایندگان روسیه و انگلیس، به ترتیب سرهنگ چریکف<sup>۲</sup> و سرهنگ ویلیامز<sup>۳</sup> بودند. کمیسیون اول تعیین حدود بعد از نزدیک به سه سال بی‌نتیجه پایان یافت. کمیسیون دوم پس از بیست و چهار سال وقفه، در ۱۲۹۱ ق. در اسلامبول برگزار شد و در طول دو سال، چهار دور مذاکره انجام گرفت. در جستار حاضر چرایی و چگونگی برگزاری کمیسیون دوم و علل تعویق و تعلیق آن تبیین شده است.

پژوهش حاضر بر اساس اسناد و منابع دست اول و نویافته انجام شده است. از اسناد و منابع چهار دولت درگیر در این مذاکرات، تنها اسناد انگلیس منتشر شده است (Schofield, 1989: III). اسناد، گزارش‌ها و صورت‌مجلس نمایندگان ایران در مذاکرات، به صورت یکجا در کتابی تدوین شده و جزو کتاب‌های خطی در بایگانی وزارت امور خارجه با عنوان «گزارش‌ها و رسائل، ش. ۶» ثبت شده است. نگارنده از سه سال پیش که امکان دسترسی به این اثر را یافت، به دلیل اهمیتش، به پژوهش و تصحیح آن پرداخت.<sup>۴</sup> در جستار حاضر به اسناد این اثر و دیگر اسناد انگلیس و ایران استناد شده است. موضع‌گیری‌های نمایندگان عثمانی در جریان مذاکرات، تا حد زیادی در اسناد فوق انعکاس یافته است.

## پیشینه پژوهش

درباره موضوع جستار حاضر، پژوهش مستقلی به صورت کتاب یا مقاله منتشر نشده است. برخی پژوهشگران نظیر نصیری (۱۳۷۱)، آدمیت (۲۵۳۵)، صالحی (۱۴۰۰)، مشایخ فریدنی (۱۳۶۹)، Ateş (2013)، Sankçioğlu (2013)،

۱. برای آگاهی بیشتر، نک. اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنه‌الروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ ق.).

2. Colonel Chirkopp

3. Colonel Williams

۴. این اثر به صورت مشترک از سوی مؤسسه میراث مکتوب و انتشارات وزارت امور خارجه در دست چاپ است.

در بررسی مسائل مربوط به حدود ایران و عثمانی در سده نوزدهم، به صورت گذرا به این موضوع پرداخته‌اند. در مقاله حاضر، برای نخستین بار با استناد به اسناد و منابع دست اول منتشر نشده، موضوع کمیسیون دوم تحدید حدود ایران و عثمانی بررسی و تحلیل شده است.

### کمیسیون اول تحدید حدود

نخستین کمیسیون تحدید حدود با حضور هیئت‌های چهار دولت آغاز شد. این کمیسیون از ربیع‌الاول ۱۲۶۶ تا ذی‌القعدة ۱۲۶۸ دوام یافت. اولین جلسه در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۶۶ / ۲۸ ژانویه ۱۸۵۰ در محرمه تشکیل شد. آخرین جلسه در ۲۹ ذی‌القعدة ۱۲۶۸ / ۱۴ سپتامبر ۱۸۵۲ در آغری‌داغ برگزار شد و به کار خود پایان داد. مأموریت کمیسیون دو سال و هشت ماه و پانزده روز به درازا کشید. در این مدت، کمیسیون یک سال و هفت ماه هم با فترت مواجه شد.<sup>۱</sup> در مجموع، کمیسیون تحدید حدود هشت بار در محرمه و سه بار در زهاب تشکیل جلسه داد و بدون نتیجه روشن به کار خود پایان داد. بنابراین مسئله تحدید حدود دو کشور که می‌بایست به موجب ماده سوم عهدنامه ارزنه‌الروم حل و فصل شود، نه تنها به جایی نرسید، بلکه اشغال قطور از سوی درویش‌پاشا، اختلافی بر اختلافات پیشین افزود. پیگیری‌های سیاسی و دیپلماتیک ایران برای بازپس‌گیری قطور همچنان ادامه داشت (صالحی: ۱۳۹۸) که وقوع جنگ روسیه و عثمانی در سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۰ ق. / ۱۸۵۴-۱۸۵۶ م. و پس از آن، جنگ ایران و انگلیس بر سر هرات در ۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۶ م.، دو دلت را از پیگیری مسئله تحدید حدود باز داشت. از طرفی، پس از پایان کمیسیون اول تحدید حدود، نمایندگان واسطه به این نتیجه رسیدند که ایران و عثمانی نمی‌توانند درباره حل اختلافات خود درباره مناطق سرحدی به نتیجه برسند و لذا درصدد برآمدند تا بر اساس تحقیقات دوساله در گردش حدود، خود رأساً نقشه یکسان و مشترکی از حدود دو کشور ترسیم و به هریک از دو دولت ارائه کنند.

### ادامه تعرضات سرحدی

در حالی که ترسیم نقشه از سوی نمایندگان دولت‌های واسطه در پطرزبورگ ادامه داشت، در مناطق سرحدی دو کشور تعرضات سرحدنشینان و دخالت سرحدداران طرفین موجب تیرگی روابط دو کشور می‌شد. همچنین هرگونه تمهیدات نظامی برای تأمین امنیت در مناطق سرحدی با سوءظن دولت مقابل مواجه می‌شد. محض نمونه، ایران در واکنش به اعزام نیرو به بغداد، قشونی را به زهاب و محرمه گسیل داشت.

۱. از ۱۳ رجب ۱۲۶۶ / ۲۵ مه ۱۸۵۰ (۴ خرداد ۱۲۲۹) تا ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ / ۲۹ دسامبر ۱۸۵۱ (۸ دی ۱۲۳۰). برای آگاهی از سیر و سیاحت هیئت روسی در بخش‌های غربی و مرکزی ایران در مدت زمان مذکور، نک. سیاحت‌نامه چریکف.

توفیق افندی، شارژدافر موقت عثمانی، در ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۷۲/۲۵ فوریه ۱۸۵۶ به این اقدام اعتراض کرد. صدراعظم ایران، دو روز بعد، در جواب وی حرکت نظامی ایران را امری عادی و برای انتظام سرحدات توصیف کرد.

با اینکه تنش‌ها روزبه‌روز بالا می‌گرفت، سفیر فوق‌العاده ایران، فرخ‌خان امین‌الدوله، که در استانبول بود، مأموریت یافت تا با دولتمردان عثمانی وارد مذاکره شود. در پایان مذاکرات، میان طرفین قرارنامه‌ای مبنی بر حفظ وضع موجود امضا شد (۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۹م.) و به موجب آن مقرر شد هریک از دولتین مأموری موقت در طرفین سرحدات تعیین کنند که «الی اتمام خریطه، ناظر در خط سرحدات باشند که اکراد سرحدنشین و غیره هرزه‌گی نمایند» (نصیری، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۱۹ و ۱۷۷). همچنین، دولت عثمانی تعهد کرد که «بعد از این، تجاوز به سرحد ایران نکنند و به حکام و کارگزاران خودشان احکام صادر کرده‌اند که [در] سرحدات حرکتی که مغایر دوستی دولتین باشد، مرتکب نشوند» (نصیری، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۱۹ و ۱۷۷). در گام نخست، برای اجرایی شدن قرارنامه مذکور، دولت ایران محمودپاشا و دولت عثمانی عبدالله بیگ را برگزیدند و راهی سرحدات کردند.<sup>۱</sup>

### امضای قرارداد اسطاطسکو

قرارنامه ۱۲۷۵ق. / ۱۸۵۹م. تأثیر زیادی در کاهش تنش‌های سرحدی نداشت. با تشدید نگرانی دولتین از اقدام طرف مقابل در مناطق سرحدی، بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی در روابط دو کشور ادامه یافت. پس دو دولت برای حل معضلات جاری به راه‌حل موقت رضایت دادند و در پی مذاکرات سفیر ایران و ناظر امور خارجه عثمانی، «قرارداد اسطاطسکو» در ۲۴ ربیع‌الاول ۱۲۸۶ / ۴ جولای ۱۸۶۹ در هفت ماده امضا شد و مقرر شد «دولتین کمال سعی و دقت را برای بقا و ازدیاد امنیت حدودی که فاصل مملکت‌شان است، مرعی کنند» (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۰: ۳/ ۴۲۸). همچنین دولتین پذیرفتند: «در زمانی که قاعده اسطاطسکو از طرفین قبول و تصدیق شد، هر محلی که متنازع فیہ محسوب و در تحت اداره یکی از طرفین بود، باز هم الی زمان تحدید حدود در تحت اداره آن دولت خواهد ماند، ولی این مسئله به هیچ وجه برای دولتین حق تصرف محسوب نخواهد شد» (همان، ۴۲۸). در ماده چهارم بر ضرورت انجام مذاکره برای رفع اختلافات تأکید کردند و در ماده هفتم گفته شد: «این قرارنامه موقتی تا موقع تحدید حدود، مرعی مانده و بر قوت مذاکرات و پروتست‌هایی که در باب اماکن متنازع فیها و محدثات به عمل آمده و

۱. برای آگاهی از دستورالعمل مفصل محمودپاشا، نک. نصیری، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۱۷-۱۲۶.

نیز بر قوت سایر ادعاهای طرفین خللی وارد نخواهد» آورد. (میرزا محبعلی خان، ۱۳۹۵: ۴۰۱-۴۰۲؛ گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۷۰: ۳/۴۲۸-۴۲۹).

### اعتراض به نقض قرارداد

اگرچه قرارداد اسطاطسکو با حسن تفاهم به امضا رسید، در عمل راه به جایی نبرد. طرف عثمانی باز هم در برخی نقاط سرحدی از قرارداد تخطی کرد. ایران در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۰/۲۰ ژوئن ۱۸۷۳ به حضور قوای فیضی‌پاشا در اراضی سید حسن، غریبه و باغسای به شدت اعتراض کرد. ناصرالدین شاه در واکنش به گزارش‌های مکرر تعدیات عثمانی طی نامه بلندی خطاب به مشیرالدوله که در حکم اتمام حجّت با دولت عثمانی بود، از او خواست سفیر عثمانی در تهران، منیف افندی، را در جریان متن نامه بگذارد (فرهادمتمد، ۱۳۲۶: ۲/۶۰-۵۹).

نامه شاه دارای مضمون اعتراضی بود. از دید او، ضررهای دولت عثمانی در زمان صلح بیشتر از زمانی است که آشکارا اعلام جنگ کند. شاه در واقع می‌گفت امید و آرزوی او برای ایجاد دوستی بین دو دولت راه به جایی نبرده است. پس با نوشتن نامه فوق می‌خواهد وضعیت روابط دو کشور بالصرّاحه تعیین تکلیف شود. پیشنهادی هم دارد: برگزاری کمیسینی برای رسیدگی به «تقصیر طرفین» و روشن کردن وضعیت آینده روابط دو کشور.

### دومین کمیسیون تحدید حدود

صدراعظم و وزیر امور خارجه ایران، میرزا حسین خان مشیرالدوله، در پی نامه و درخواست ناصرالدین شاه، با ارسال نامه‌ای به صدراعظم و وزیر امور خارجه روسیه، پرنس کادچیکوف (گورچاکف)<sup>۱</sup>، خواهان وساطت دولت‌های واسطه در اختلاف‌های مرزی ایران و عثمانی شد (فرهادمتمد، ۱۳۲۶: ۲/۷۰-۷۱). کادچیکوف در پاسخ به مشیرالدوله در ۱۶ محرم ۱۲۹۱/۵ مارس ۱۸۷۴، ضمن موافقت با وساطت دول واسطه، پیشنهاد نمود در صورت تشکیل کمیسیون مشترکی برای حل اختلافات، نخست مناطقی که هر دو دولت در آن توافق دارند بر اساس نقشه ترسیمی مشخص شود و سپس به مناطق مورد اختلاف پرداخته شود (همان، ۷۱-۷۳). تلاش‌های میرزا حسین خان مشیرالدوله و کادچیکوف سرانجام به نتیجه رسید و زمینه برگزاری کمیسیون دوم تحدید حدود فراهم شد. میرزا محبعلی خان، در ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۱/۶ ژوئن ۱۸۷۴ مأموریت یافت تا به عنوان نماینده ایران روانه استانبول شود. در اسناد وزارت امور خارجه در این باره چنین آمده است: «میرزا

محبعلی خان برای رفتن به اسلامبول مهیا و جمیع لوازم مأموریت او راجع به وزارت امور خارجه از قبیل احکام و دستورالعمل و نوشتجات و اسناد و نقشجات سرحدیه و غیره کلاً بلانقصان حاضر<sup>۱</sup> است (همان، ۷۷). میرزا محبعلی خان در ۱۲ رمضان ۱۲۹۱/۲۳ اکتبر ۱۸۷۴ وارد اسلامبول شد. درست یک ماه و پنج روز بعد از ورود وی، نخستین مجلس کمیسیون در ۱۷ شوال ۱۲۹۱/۲۷ نوامبر ۱۸۷۴ برگزار شد. در این کمیسیون درویش پاشا و مصطفی پاشا، والی ارضروم، از طرف دولت عثمانی، و میرزا محبعلی خان ناظم الملک، مأمور دولت ایران، و میرزا محسن خان معین الملک، وزیرمختار ایران در استانبول، حضور داشتند (میرزا محبعلی خان، ۱۳۹۵: ۸۹). دومین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی در چهار دور متمایز برگزار شد: دور نخست که شامل چهار مجلس مذاکره بود، در ۱۷ و ۲۴ شوال، و غره و ۶ ذی القعدة ۱۲۹۱ بدون حضور نمایندگان واسطه برگزار شد و در ۸ ذی القعدة بعد از امضا و مبادله پروتکل‌های<sup>۱</sup> «مجالس اربعه» میان نمایندگان دولتی، کمیسیون بدون نتیجه پایان یافت. دور دوم مذاکرات، بعد از پنج ماه و بیست روز وقفه، طی پنج مجلس در ۲۸ ربیع الثانی، غره، ۴، ۸ و ۱۱ جمادی الاول ۱۲۹۲ با حضور نمایندگان واسطه برگزار شد و صورت «مجالس خمس» آن در «دو نسخه ترکی و دو نسخه فرانسوی» یک هفته بعد، در ۱۸ جمادی الاول با حضور نمایندگان واسطه امضا و مبادله شد. دور سوم که شامل دو مجلس مذاکره بود، با حضور نمایندگان واسطه در ۲۶ و ۲۹ رجب ۱۲۹۲ برگزار شد و پروتکل سوم در ۴ شعبان ۱۲۹۲ میان نمایندگان دولتی امضا و مبادله شد. دور چهارم که شامل سه مجلس مذاکره بود با حضور نمایندگان واسطه در غره، ۶ و ۸ ذی الحجة ۱۲۹۲ برگزار شد و پروتکل چهارم «مجالس ثلاثه» در ۸ ذی الحجة میان نمایندگان دولتی امضا و مبادله شد.

### دور نخست مذاکرات

در دور نخست مذاکرات، نماینده عثمانی، درویش پاشا، با استناد به «عهدنامه مجهول الحال سلطان مراد رابع» به طرح ادعاهای واهی پرداخت.<sup>۲</sup> هر دو نماینده ایران، در برابر ادعاهای درویش پاشا ایستادگی کرده و به درستی بر این نکته تأکید می‌کردند که با انعقاد عهدنامه دوم ارضروم، این عهدنامه اساس حل و فصل اختلاف قرار گرفته و قرارومدارهای پیشین، در عمل، منسوخ شده است. محبعلی خان می‌نویسد:

این بنده و جناب معین الملک چنان که از اقل تعلیمات صحیحه و عادلانه دولت علیه بوده، می‌گفتم: «معاهده اخیر ارضروم، احکام معاهدات عتیقه را در حق حدود که کلیتاً راجع به عهدنامه سلطان مراد

۱. در متن اصلی، اغلب به جای «صورت مجلس» از اصطلاح فرنگی «پروتوقول» [پروتوکل / پروتکل] استفاده شده است.

۲. برای آگاهی از برخی ادعاهای و کارشکنی‌های درویش پاشا، نک. اسکوفیلد (۱۳۸۹): ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۹، و به ویژه ۲۸۵.

رابع با شاه صفی مرحوم بوده است، منسوخ داشته است [...] بنابراین، حقاً و صریحاً معاهده‌ی اخیر به تمامی احکام حدودیه‌ی دولتین، من البدو الی الختم، حاوی و مقتضی است که به همه جهت اساس مذاکرات تحدید حدود دولتین منحصر به معاهده‌ی اخیر مزبوره باشد و بس.» (میرزا محبعلی خان، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰).

محبعلی خان که به خوبی از ترفندهای درویش پاشا آگاهی داشت، از همان مجلس نخست با اتخاذ موضعی صحیح و منطقی گفت: اُس و اساس مذاکرات باید بر پایه‌ی عهدنامه‌ی ارزنه‌الروم باشد. درویش پاشا مقاومت کرد. چون موضع نمایندگان ایران بر پایه‌ی منطق استوار بود، برای به کرسی نشاندن نظرشان به رایزنی با سفرای روس و انگلیس پرداختند. معین‌الملک می‌نویسد: در همان مجلس نخست «در برابر فقره‌ی طویل‌الذیل آن‌ها» ما بر ضرورت اساس قرار دادن معاهده‌ی ارزنه‌الروم تأکید کردیم، اما چون اتفاق نظر حاصل نشد، «خلاصه‌ی مجالس را با ترجمه و کاغذ رسمی به سفرای واسطه فرستاده ملاقات کردم. قرار شد با صدراعظم گفتگو کرده به قبول فصل دویم و سیم معاهده‌ی ارزنه‌الروم وادارند.» (اسناد وزارت خارجه، اسناد مکمل، ۵۴/ش. ۱۶۲).<sup>۱</sup>

در تهران وزیرمختار انگلیس، تامسون<sup>۲</sup>، طی یادداشت کوتاهی مشیرالدوله را در جریان تصمیم سفرای واسطه در اسلامبول قرار داد: هر دو سفیر دولتین «بالاتفاق و به یک مضمون به ابغالی و به سفیر ایران نوشته ابلاغ کرده‌اند که در اصل مبنای مباحثه و گفتگو در مسئله‌ی حدود باید خود عهدنامه‌ی ارضروم قرار داده شود و لاغیر.» (فرهادمتمد، ۱۳۳۶: ۷۶/۲). مشیرالدوله ضمن ارسال یادداشت تامسون به شاه، نوشت: «ان شاء الله تعالی همین قرار که از پیش رفت به یمن منظورات اقدس خسروانی مقصود حاصل خواهد بود» (همان، ۷۷). شاه در حاشیه‌ی نامه پاسخ داد: «جناب سپهسالار اعظم این عمل بسیار خوب شد و دول واسطه خوب موافقت کرده‌اند. ان شاء الله از حسن اهتمام شما کار به دلخواه خواهد گذشت» (همان جا). محبعلی خان به‌رغم موفقیت به دست آمده که آن را «به مثابه‌ی فتح یک مملکت» می‌دانست، با وجود خوش‌بینی و امیدواری به آینده‌ی مذاکرات، به دلیل آشنایی با منویات درویش پاشا، بیم و نگرانی خود را نیز پنهان نکرده بود. او می‌دانست نماینده‌ی عثمانی چون در نفی معاهده‌ی ارضروم راه به جایی نبرده است، با تمرکز و تأکید بر «ایضاحات اربعه» تلاش خواهد کرد تا مفاد معاهده‌ی ارضروم را بی‌خاصیت کند.

بیشتر وقت دور اول مذاکرات صرف تعیین چهارچوب و دستور کار کمیسیون شد. ناکامی درویش پاشا در نپذیرفتن معاهده‌ی ارزنه‌الروم، که حتی اساس بودن آن مورد تأیید سفرای واسطه نیز قرار گرفت، موجب

۱. در ادامه می‌نویسد: «اگر ان شاء الله تکلیف ما در باب اساس گذشت، از حسن نتیجه امیدوار می‌توان» شد.

2. Thomson

شد «ابضاحات اربعه» را پیش بکشد و به عنوان اساس کار کمیسیون قرار دهد. پس به دلیل اصرار و لجاجت درویش پاشا، دور نخست مذاکرات بعد از برگزاری چهار مجلس بدون نتیجه پایان یافت. نمایندگان ایران در جلسات مذاکرات به درستی دریافتند که حضور نمایندگان واسطه می‌تواند به پیشبرد مذاکرات مطابق با اصول منطقی کمک مؤثری کند. معین‌الملک درباره علت چنین تصمیمی می‌نویسد: در همان جلسه نخست دریافتیم اگر «وکیلی از طرف دول واسطه در مجالس نباشد، جلو مزخرفات مأمورین عثمانی را نمی‌توان گرفت. چنانکه در همان مجالس، سخنانی چند می‌گفتند که اگر ثالثی بود، قطعاً اسباب استهزا و تمسخر می‌شد.» (میرزا محبعلی خان، ۱۴۰۴: ۳۱). معین‌الملک شخصاً سفرای ایران در لندن و پترزبورگ را در جریان ضرورت معرفی نمایندگان واسطه قرار داد. او از مشیرالدوله نیز خواست پیگیر این موضوع باشد. مشیرالدوله به ملک‌خان و ساعدالملک نوشت: «... معین‌الملک بدون حضور وکیل دول واسطه در کمیسیون محال می‌داند عثمانی‌ها حقوق ما را بدهند و این مسئله حدود حل شود. شما هر اقدامی برای حضور وکیلی از دولتین روس و انگلیس در کمیسیون لازم است بکنید» (اسناد وزارت خارجه، اسناد مکمل، ۵۶/ش. ۳۹۴).

فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک نمایندگان ایران در لندن، پترزبورگ و اسلامبول که با حمایت و هدایت مشیرالدوله همراه بود، به نتیجه رسید. دولت‌های واسطه نمایندگان خود را برای حضور در جلسه‌های کمیسیون تعیین حدود معرفی کردند: ژنرال سِر آرنولد کِمبال<sup>۱</sup> که پیش‌تر در تهران و بغداد خدمت کرده بود و با مناطق سرحدی و سوابق آن‌ها آشنا بود، در مارس ۱۸۷۵ / صفر ۱۲۹۲ به عنوان نماینده انگلیس منصوب شد تا جانشین سِر فنویک ویلیامز<sup>۲</sup> شود، و سرهنگ زِلنوی<sup>۳</sup> به عنوان نماینده روسیه انتخاب شد (Schofield, 1989: 3/ xvi). مشیرالدوله با اظهار خشنودی از موافقت دولتین واسطه برای معرفی نماینده، به شاه نوشت: «هر دو دولت واسطه قبول نموده‌اند و امید است امور مسائل سرحدیه با دخالت آن‌ها به خوبی بگذرد و عثمانی‌ها شرارت نکنند.» (فرهادمتمد، ۱۳۲۶: ۷۴ / ۲).

### دور دوم مذاکرات

دور دوم مذاکرات، بعد از پنج ماه و بیست روز وقفه، در ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۲۹۲ / ۳ ژوئن ۱۸۷۵ با حضور نمایندگان واسطه، کِمبال و زِلنوی، برگزار شد (اسناد وزارت خارجه، گزارشها و رسائل، ۱۹ / ۶). در دور دوم، چهار مجلس مذاکره با حضور مأمورین واسطه برگزار شد و در مجلس پنجم، صورت «مجالس خمس»

1. General Sir Arnold Kemball

2. Sir Fenwick Williams

3. Colonel Zelenoi

امضا و مبادله شد. در این دور از مذاکرات، نخست نمایندگان ایران و عثمانی به طرح نظرات خود پرداختند. مأمورین واسطه پس از شنیدن نظرات نمایندگان دو کشور، پیشنهاد کردند که آن‌ها «خط حدودی را که حالا ادعا دارند» بر روی نقشه‌های یکسانی که در اختیار نمایندگان دولتی قرار گرفته است، بنا به «اعتقادات و مستندات خودشان» ترسیم کنند تا بعد از آن شروع به مذاکره شود. درویش‌پاشا با این پیشنهاد معقول و راهگشا به مخالفت برخاست و با پیش کشیدن نقشه ترسیمی عوامل عثمانی، پرده از اهداف زیاده‌خواهانه باب‌عالی برداشت. مأمورین واسطه نظر درویش‌پاشا را به‌صراحت رد کردند و گفتند: هیچ «نقشه رسمی و مشروع، غیر از نقشه مأمورین متوسط» نمی‌تواند ملاک عمل باشد. از طرفی، «دولت ایران غیر از نقشه رسمی، نقشه دیگری را نشناخته» است (Schofield, 1989: 3/ xvi).

مأمورین واسطه بعد از جمع‌بندی مذاکرات، خطاب به نمایندگان ایران و عثمانی گفتند: ادامه مذاکرات باید تنها منوط به «ترسیم خط حدود در داخل منطقه نقشه رسمی» باشد. اگر رویه دیگری بخواهد ملاک عمل قرار گیرد، باید از سفراشان «تعلیمات جدید» بخواهند. نمایندگان ایران با پذیرش نظر مأمورین واسطه بر دو نکته تأکید کردند: غیر از معاهده ارضروم، هیچ معاهده دیگری را به رسمیت نمی‌شناسند، و دیگر اینکه «غیر از نقشه رسمی که از طرف دولتین فحیمتین متوسطین ترتیب شده، هیچ نقشه دیگری دارای اعتبار نخواهد» بود (اسناد وزارت خارجه، اسناد مکمل، ۶۰/ ش. ۴۶۸).

درویش‌پاشا با استناد به تعلیماتش از پذیرش پیشنهاد مأمورین واسطه سرباز زد. حرفش این بود: «تحقیق و تدقیق حدود قدیم و تحدید آن‌ها بر وفق احکام معاهدات عتیقه چون از مقتضیات مأموریت می‌باشد، ترسیم نمودن خط حدود را روی نقشه [ای] که از طرف مأمورین دولتین فحیمتین متوسطین ترسیم شده است [با] تعلیماتم مساعد نیست.» (میرزا محبعلی‌خان، ۱۴۰۴: ۸۰). او خواهان پایان مذاکرات شد: «تکلیف می‌کنم که به مذاکرات خاتمه داده» شود (همان‌جا).

دور دوم مذاکرات با پافشاری درویش‌پاشا بر ایضاحات اربعه و نپذیرفتن نقشه رسمی ابلاغی دول واسطه، به بن‌بست رسید. نمایندگان دولتین منتظر دریافت دستورات جدید از پایتخت‌ها ماندند. این دور از مذاکرات با امضا و مبادله صورت «مجالس خمسه» در ۱۸ جمادی‌الاول ۱۲۹۲ / ۲۲ ژوئن ۱۸۷۵ پایان یافت.

### دور سوم مذاکرات

درست دو ماه بعد از پایان دور دوم مذاکرات، درویش‌پاشا در نامه ۱۸ رجب ۱۲۹۲ / ۲۰ اوت ۱۸۷۵ به معین‌الملک با اشاره به دریافت «وامر جدید» از باب‌عالی، از آمادگی خود برای برگزاری دور جدید مذاکرات خبر داد. معین‌الملک در پاسخ، آمادگی خود را برای آغاز مذاکرات اعلام کرد (اسناد وزارت خارجه، گزارشها

و رسائل، ۵۳/۶). دور سوم مذاکرات در روزهای ۲۶ و ۲۹ رجب/ ۲۸ و ۳۱ اوت، برگزار شد و صورت مجالس مذاکرات در چهارم شعبان امضا و مبادله شد. معین‌الملک هشت روز پس از پایان مذاکرات، ضمن ارسال صورت مجالس به تهران، مشیرالدوله را در جریان زبدهٔ مباحث دو مجلس مذاکره گذاشت.

در دور سوم مذاکرات، با توجه به ارسال دستورالعمل جدید از سوی باب‌عالی به درویش‌پاشا دربارهٔ قبول تحدید حدود بر مبنای نقشهٔ رسمی دولتین واسطه، در بند پایانی صورت مجلس مقرر شد تا زمان برگزاری دور بعدی مذاکرات، هریک از نمایندگان ایران و عثمانی، ضمن تدوین لایحه، حدود ادعایی خود را با ادله و مستندات بر روی خریطه (نقشه) رسمی دولتین متوسطین مشخص نمایند و در اولین جلسهٔ مذاکرات هم‌زمان به کمیسیون ارائه دهند (همان، ۵۴).

به‌منظور اجرایی‌شدن تصمیم فوق، نمایندگان ایران و عثمانی برای دفاع از ادعاهای خود درگیر کار بر روی تدوین لایحه و نقشه شدند. از بخت خوش درویش‌پاشا، جمعی از کارشناسان و متخصصان به یاری او برخاستند، اما نمایندهٔ ایران، محبعلی‌خان، یکه و تنها از عهدهٔ کار برآمد (اسناد وزارت خارجه، اسناد مکمل، ۳۴/۳. ش. ۳۱۱). وی ضمن خبر ارسال لایحهٔ خود و درویش‌پاشا به مشیرالدوله، دربارهٔ کم‌وکیف تدوین لویح به نکاتی اشاره می‌کند که همگی حاکی از دانایی، درایت و هوشمندی او در تنظیم لایحه‌ای منسجم، مستدل و منطقی برای دفاع از دعوای حقهٔ ایران است.

مشیرالدوله در نامه‌ای دیگر، ضمن اشاره به دریافت لایحهٔ محبعلی‌خان، به تحسین وی پرداخت: «صورت لایحه [ای] را هم که نوشته بودید، دیدم. آفرین بر شما! بسیار خوب و جامع و با ملاحظهٔ اطراف نوشته بودید. محل کمال تحسین است. قدر و قیمت این زحمت شما را من کاملاً می‌دانم. ان شاء الله بلااثر نخواهد ماند.» (اسناد وزارت خارجه، گزارشها و رسائل، ۱۱۹/۶).

درویش‌پاشا با امکاناتی که داشت، لایحهٔ خود را آماده کرد و به معین‌الملک نوشت: «تدوین لایحهٔ ما به پایان رسیده و خط حدود نیز بر روی خریطهٔ رسمی با رنگ سرخ مشخص شده است. مقتضی است در اسرع وقت نسبت به تعیین زمان تشکیل کمیسیون با حضور مأموران واسطه اقدام گردد» (همان، ۵۸). معین‌الملک در پاسخ او (۱۷ ذی‌القعدة) نوشت: «لایحهٔ نمایندهٔ ایران در آخرین مراحل تدوین است» (همان، ۶۱). درویش‌پاشا دو روز بعد، ضمن درخواست از معین‌الملک برای تسریع در تدوین لایحه و مستندات، نوشت: «ظن آن می‌رود که مأمورین واسطه، لایحه و مستندات را به صورت "مسوده" نپذیرند، بهتر است به‌صورت "بیاض" آماده کرده و ممهور به مهر شخصی خود نمایند و خط حدود را بر روی خریطهٔ رسمی با مرکب سرخ رسم کنند» (همان، ۶۱). معین‌الملک در پاسخ خود ضمن اشاره به رعایت موارد مذکور، از آمادگی نمایندگان ایران برای تعیین زمان برگزاری مجلس مذاکره خبر داد (همان، ۶۲).

### دور چهارم مذاکرات

چهار ماه و سه روز پس از پایان دور سوم مذاکرات، دور چهارم در غره ذی‌الحجه ۱۲۹۲ / ۲۹ دسامبر ۱۸۷۵ آغاز شد و در ۶ و ۸ ذی‌الحجه (۳ و ۵ ژانویه ۱۸۷۶) ادامه یافت و پروتکل چهارم «مجالس ثلاثه» کمیسیون که در هشتم ذی‌الحجه / ۵ ژانویه امضا و مبادله شد (همان، ۱۸۴)، برای مشیرالدوله ارسال گردید (همان، ۱۱۰). در نخستین جلسه مذاکرات، نمایندگان ایران و عثمانی، هردو، هم‌زمان لوایح و مستندات خود را ارائه کردند. بعداز امضا و مبادله صورت مجالس دور چهارم مذاکرات، در هشتم ذی‌الحجه / ۵ ژانویه، نمایندگان ایران و عثمانی مشغول مطالعه و بررسی لوایح یکدیگر شدند تا نظرات خود را به صورت مکتوب اعلام کنند. مأمورین واسطه نیز لوایح و خریطه‌های نمایندگان دولتین را دریافت کردند تا با بررسی و مقایسه آن‌ها نظر خود را ابراز کنند. معین‌الملک دو ماه و هفت روز بعد از پایان دور چهارم مذاکرات، گزارش داد: «مسئله تحدید حدود... هنوز انجام‌پذیر نشده، لایحه و خط طرفین در دست و کلاهی واسطه است. آن‌ها نیز لایحه‌ای در بیان رأی خود می‌نویسند و مطابق رأی خود، خط ثالثی می‌کشند که پس از اتمام به مجلس کمیسیون بگذارند» (سواد مکاتبات، ۱۲ / ۱۰۴).

### تعویق مذاکرات کمیسیون

با وقوع بحران‌های شدید داخلی و خارجی در دولت عثمانی، جمعی از سیاستمداران برجسته عثمانی، نظیر مدحت‌پاشا، حسین عونی‌پاشا و چند نفر دیگر با تدارک کودتایی در ۳۰ مه ۱۸۷۶ / ۶ جمادی‌الاول ۱۲۹۳، سلطان عبدالعزیز را خلع کردند و ولیعهد او را با عنوان سلطان مراد پنجم به تخت نشانند (زورخر، ۱۳۹۷: ۸۷). عبدالعزیز مدتی بعد خودکشی کرد و مراد پنجم هم شش ماه و هشت روز بعد، خلع شد و سلطان عبدالحمید در ۱ دسامبر ۱۸۷۶ / ۱۴ ذی‌القعدة ۱۲۹۳ به سلطنت رسید (همان، ۸۸). هم‌زمان با تحولات داخلی، شورش‌های مردمی بر ضد سلطه عثمانی در بالکان هم گسترش یافت. چنان‌که یک ماه پس از آغاز سلطنت مراد پنجم، صرب‌ها در ۳۰ ژوئن ۱۸۷۶ / ۷ جمادی‌الثانی ۱۲۹۳ به دولت عثمانی اعلام جنگ کردند (همان، ۸۸). در این اوضاع بحرانی، نه روسیه که حامی شورش‌های مردمی بالکان بر ضد عثمانی بود، نه انگلیسی‌ها که نگران آینده دولت عثمانی بودند و نه دولت‌مردان عثمانی، هیچ‌یک تمایلی به برگزاری کمیسیون مذاکرات نداشتند. هریک از این دولت‌ها به دنبال بهانه‌ای برای تعویق کمیسیون بودند.

تلاش‌های معین‌الملک به جایی نرسید. او و محبعلی‌خان منتظر ماندند تا ببینند «عقبه و دنباله حالت عثمانی‌ها به کجا منجر می‌شود و چه ظهور» می‌کند. شاه بدون توجه به کارشکنی عثمانی‌ها، سفیر را به باد انتقاد گرفت و نوشت:

یک حالت عجیبی از او نسبت به دولت عثمانی می‌بینم که حرکاتش با تأنی زیاد، بلکه با ترس‌ولرز زیاد و تملق است نسبت به عثمانی، در این موقع، حالت سفیر ایران به این طرز در پایتخت اسلامبول برای منافع ما بسیار بسیار مضر است و من نمی‌خواهم او عزل شود و نمی‌خواهم مفسده بکند، لیکن باید او را ملتفت بکنید که قدری سختی و مردانگی کند و موقع را از دست ندهد. هرچه دولت به او دستورالعمل می‌دهد رفتار کند، فضولی را موقوف بکند کارها خوب می‌شود، فقرات اربعه را در این حالت از عثمانی با کمال تشدد باید بخواهید و الا جای هزار افسوس است (صفائی، ۲۵۳۵: ۱۰۸-۱۱۰).

شاه چون برداشت درستی از وضعیت داخلی و خارجی عثمانی نداشت، گمان می‌کرد با زور آوردن به «سفیر ایران» می‌تواند دولت عثمانی را تسلیم خواسته‌های ایران کند. حال آنکه دولت عثمانی به‌جز بحران داخلی، سخت‌درگیر شورش‌های بالکان بود و دولت‌های اروپایی خواهان شکست عثمانی و پایان حضور عثمانی‌ها در قلمرو اروپا بودند. دولت عثمانی در حالی که درگیر جنگ بالکان بود، با اعلام جنگ از طرف روسیه، گرفتار بحران بزرگ دیگری شد (زورخر، ۱۳۹۷: ۸۹-۹۰؛ هیل، ۱۳۹۵: ۴۶-۴۷). باب‌عالی چون در گرداب مشکلات داخلی و خارجی گرفتار شده بود و با گذشت زمان ناچار از متصرفات اروپایی خود پا پس می‌کشید، تمایلی به حل‌وفصل مسائل خود با ایران نشان نمی‌داد، حتی به این می‌اندیشید که شکست‌های جبهه غرب را در شرق جبران کند. سفرای ایران در اروپا و استانبول که از نزدیک تحولات عثمانی را دنبال می‌کردند، در گزارش‌های متعدد خود به تهران، نسبت به مقاصد زیاده‌خواهانه عثمانی در سرحدات ایران هشدار می‌دادند. بنابراین، وضعیت مذاکرات استانبول که به تعویق افتاده بود به آینده شورش‌های بالکان بر ضد عثمانی و نیز نقش دول واسطه گره خورده بود.

معین‌الملک که برای ترغیب باب‌عالی به برگزاری کمیسیون تلاش می‌کرد، از اواخر ماه رجب ۱۲۹۳/ اوت ۱۸۷۶ به این نتیجه رسید که عثمانی‌ها در شرایط فعلی حاضر به ادامه مذاکرات نخواهند بود. پس با یأس و ناامیدی به مشیرالدوله نوشت:

اعتقاد شخصی بنده همیشه اتحاد دو دولت اسلام بود و هست. در این چهار سال، چه مجاهده کرده و چه زحمت درخصوص این مقصود کشیده‌ام. ولی حالا، با یأس و افسوس می‌بینم که محال است ترک و حدیث دوستی! قصه آب و آتش است. چنانکه همیشه و مکرر تحریراً و تلغرافاً عرض کرده‌ام، موافقت عثمانی‌ها با ما به اعتقادی که در حق ما دارند ممتنع است (اسناد وزارت امور خارجه، سواد مکاتبات، ۱۰۴/ ص ۵۱).

### تعلیق مذاکرات کمیسیون

بعد از شکست صرب‌ها از عثمانی و تقاضای متارکه جنگ از سوی آن‌ها، احساسات پان اسلاو در روسیه تا حد زیادی بالا گرفت. پان اسلاوهای روسی در پی ناامیدی در صربستان، بر مسئله بلغارها متمرکز شدند و دولت عثمانی را برای انجام اصلاحات در مناطق بلغارنشین تحت فشار گذاشتند و تهدید کردند چنانچه تقاضایشان اجرا نشود وارد جنگ خواهند شد. دولت عثمانی برای خنثی کردن فشار روس‌ها و دیگر کشورهای اروپایی که خواهان رعایت حقوق قانونی مسیحیان قلمرو عثمانی در روم ایلی بودند، اقدام به صدور و انتشار قانون اساسی کرد. روسیه حاضر به قبول اصلاحات مبتنی بر قانون اساسی اعلامی نشد و در ۲۴ آوریل ۱۸۷۷ / ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ به دولت عثمانی اعلام جنگ کرد (زورخر، ۱۳۹۷: ۸۹).

دولت عثمانی نسبت به اتحاد احتمالی ایران و روس به شدت نگران بود. دیپلمات‌های خود را در تهران و چند کشور دیگر بسیج کرد تا ایران را از اتحاد با روس بازدارد. مصلحت‌گذار عثمانی در تهران در دیدار با شاه و صدراعظم خواهان حفظ بی‌طرفی ایران در جنگ شد. تلاش‌های سفارت عثمانی بی‌تأثیر نبود. دولت ایران با اتخاذ بی‌طرفی موجب شد روابط دو کشور در چنین برهه حساسی خصمانه نشود. حتی شه‌بندری عثمانی در تبریز با تلاش‌هایی توانست به رفع برخی نیازهای عساکر عثمانی مانند تدارکات و تجهیزات کمک کند (Akar ve Özmenli, 2022: 398).

جنگ روس و عثمانی، ده ماه و یک هفته و دو روز طول کشید و سرانجام با شکست عثمانی در ۲۸ صفر ۱۲۹۵ / ۳ مارس ۱۸۷۸ میان دو کشور معاهده صلح سن‌استفانو امضا شد. این معاهده برای دولت عثمانی فاجعه‌ای تمام عیار و برای قدرت‌های اروپایی نظیر انگلیس و اتریش شوک‌آور بود. این قدرت‌ها چون حاضر به قبول سلطه روسیه بر بالکان و آسیای صغیر نبودند، توانستند زمینه برگزاری کنگره برلن را فراهم آورند (زورخر، ۱۳۹۷: ۸۹-۹۰). در ماده ۶۰ معاهده برلن، استرداد قطور به ایران به تصویب رسید. پس وقوع جنگ روس و عثمانی، در تعویق و تعطیل کمیسیون تحدید حدود مؤثر بود، اما به تعبیر معین‌الملک «از قوت طالع فیروزی همایون، دولت علیه آسوده مانده محاربه به میان واسطه و طرف مقابل افتاد» (اسناد وزارت امور خارجه، گزارشها و رسائل، ۱۲۸ / ۶).

یکی از نتایج مهم جنگ، اجبار دولت عثمانی به انجام مفاد معاهده برلن بود. باب‌عالی کمی بعد از امضای معاهده، تن به خواست‌های دولت‌های اروپایی داد، اما در ربط به یک ماده معاهده - استرداد قطور - به فکر بهانه‌جویی افتاد. طرز رفتار دولت عثمانی برای اولیای دولت ایران از قبل شناخته بود. مشیرالدوله قبلاً به شاه گفته بود: «عثمانیها ابن‌الوقت غریبی هستند و در فرصت اول از همه نکول خواهند» کرد (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۳۲). ملکم‌خان نیز با شناخت دقیقی که از ماهیت دولت عثمانی داشت، در اثنای جنگ بارها به تهران هشدار داده بود: «پس از این جنگ، دولت عثمانی در مسئله حدود ما، زیاد از وصف بر ما سخت خواهد گرفت. از دعاوی خود

هیچ نقطه و از حدود متصوره خود هیچ سنگی را ترک نخواهد کرد» (میرزا ملکم خان، ۱۴۰۰: ۱۹۴). از دید ملکم، عثمانی‌ها بعد از جنگ نگاهشان را به‌طور کلی از اروپا به آسیا معطوف کرده، خواهند گفت: «هرگاه روم ایلی از دست ما رفت به جهنم، آسیا مال ماست!» (همان جا).

از گزارشی که محبعلی خان بعد از امضای معاهده برلن به تهران ارسال کرده است، می‌توان به بی‌صدافتی و ابن‌الوقتی دولت عثمانی و درایت و تدبیر نمایندگان ایران در اسلامبول پی برد. وی می‌نویسد: «بعد از ختام محاربه و مجالس برلن و استقرار صلح روس و عثمانی، از طرف دولت عثمانیه به جناب معین‌الملک زور آوردند که مجالس مذاکره تعیین حدود منعقد و مأمورین دول اربعه مشغول مذاکره بشوند.» (میرزا محبعلی خان، ۱۴۰۴: ۱۱). اولیای دولت عثمانی در حالی که قبل و نیز در اثنای محاربه، زمینه‌ساز تعویق و تعطیل کمیسیون بودند، اکنون اصرارشان برای تشکیل کمیسیون بی‌دلیل نبود. محبعلی خان معتقد بود آن‌ها در صورت برگزاری کمیسیون «در ردّ قطور کوتاهی کرده و [با] بهانه‌جویی» خواهند گفت: «ما به ردّ قطور حاضریم، ولی حدود آن هم در ضمن مذاکره کلیه حدود که در دست است، باید معین شده بعد ردّ نمائیم» (همان جا). نمایندگان ایران با آگاهی از ترفند عثمانی‌ها تن خواست آن‌ها نداده و برگزاری کمیسیون را به بعد از استرداد قطور موکول کردند. محبعلی خان می‌نویسد:

به اتفاق جناب معین‌الملک اهمیت دادن ردّ قطور را لازم دانسته، جواب دادیم که چون ردّ قطور داخل معاهده برلن شده و بدین جهت اهمیت و امتیاز مخصوص به هم رسانیده است، لهذا باید اولاً محال قطور تخلیه و تسلیم شده، بعد به مذاکره ختم کلیه حدود اقدام شود. لابد باب‌عالی هم به زور دول واسطه تمکین کرده تن به تسلیم قطور دادند و قرار شد مأمورین دول ثلاثه که برای تعیین حدود آسیای روس و عثمانی خواهند آمد،<sup>۱</sup> پس از ختم حدود مزبور به سمت قطور آمده به اتفاق فدوی در قطور مجتمع و مشغول تعیین حدود آنجا بشویم، و بعد مراجعت به اسلامبول نموده به ختم مذاکرات کلیه حدود بپردازیم (اسناد وزارت امور خارجه، کتابچه گزارشها و رسائل، ۶/ ص ۱۸۵).

دومین کمیسیون تعیین حدود ایران و عثمانی، به رغم دو سال و دو ماه فعالیت‌های دیپلماتیک، با وقوع بحران‌های شدید داخلی و خارجی در دولت عثمانی، دچار تعویق و تعلیق شد، و سرانجام با اعلام جنگ روسیه به عثمانی (۱۰ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴/ ۲۴ آوریل ۱۸۷۷) بی‌نتیجه پایان یافت. با این حال با شکست دولت عثمانی در جنگ‌های بالکان و انعقاد عهدنامه «سان‌استفانو»، کنگره برلن تشکیل شد. با پشتیبانی روس از ایران، استرداد قطور به ایران در ماده شصتم معاهده برلن گنجانده شد. در این کار نقش نماینده ایران در کنگره برلن، میرزا ملکم خان، بسیار چشمگیر بود.<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی از اسناد تعیین حدود روس و عثمانی در ۱۸۷۹، نک. اسکوفیلد، ۳/ ۲۹۱-۳۹۰.

۲. نک. نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، ج ۳، ص. سی و یک و دو؛ و آدمیت، همان، ص ۵۹۸.

### نتیجه‌گیری

روابط ایران و عثمانی در طول چند سده، همواره توأم با جنگ و صلح بود. دو دولت در طول چند سده، با انعقاد عهدنامه‌های متعدد، گام‌هایی برای حل و فصل اختلاف‌ها برداشتند. عهدنامهٔ دوم ارزنه‌الروم که در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ / ۱ ژوئن ۱۸۴۷ بین دو کشور منعقد شد، از هر حیث به عنوان نقطهٔ عطف در مناسبات دو کشور به حساب می‌آید. به موجب مادهٔ سوم این عهدنامه، کمیسینی مرکب از نمایندگان چهار دولت برای تحدید حدود دو کشور تشکیل شد و بعد از دو سال، بدون نتیجه پایان یافت. کمیسیون دوم، بعد از بیست و چهار سال وقفه، در اسلامبول تشکیل شد (۱۲۹۲ق. / ۱۸۷۴م.). این کمیسیون با پیگیری دولت ایران و وساطت روس و انگلیس برگزار شد. نمایندهٔ عثمانی، درویش‌پاشا، تا جایی که توانست در روند مذاکرات کارشکنی کرد. درخواست‌های غیرمنطقی او با مخالفت نمایندگان سه دولت مواجه شد. او در دو مورد مجبور به پذیرش نظر منطقی نمایندگان سه دولت شد: نخست، پذیرفت عهدنامهٔ دوم ارزنه‌الروم پایه و اساس مذاکرات باشد. دوم، پذیرفت نقشهٔ یکسان دولثین واسطه مبنای تعیین حدود و حل و فصل اختلافات سرحدی باشد. چون روند مذاکرات با خواست‌های درویش‌پاشا پیش نرفت، دولت عثمانی در پی مفری برای تعلیق مذاکرات بود. با بروز بحران‌های داخلی و خارجی در عثمانی در سال‌های ۱۲۹۳-۱۲۹۴ق. / ۱۸۷۶-۱۸۷۷م. شرایطی فراهم شد که مذاکرات کمیسیون بعد از دور چهارم به تعویق افتاد و بعد از شروع جنگ روس و عثمانی و کشیده شدن پای انگلیس به این نزاع، بهانهٔ لازم برای تعلیق مذاکرات فراهم آمد. تلاش‌های گستردهٔ نمایندگان ایران در اسلامبول برای از سرگیری مذاکرات به نتیجه نرسید. با شکست دولت عثمانی در جنگ و انعقاد عهدنامهٔ «سان‌استفانو»، کنگرهٔ برلن تشکیل شد. با پشتیبانی روس از ایران، استرداد قطور به ایران در مادهٔ شصتم معاهدهٔ برلن گنجانده شد. اگرچه فعالیت دیپلماتیک نمایندگان ایران در کمیسیون دوم برای حل اختلافات سرحدی با عثمانی نافرجام ماند، تلاش‌های سی‌سالهٔ دیپلماتیک ایران برای استرداد قطور، سرانجام با تصویب کنگرهٔ برلن به ثمر رسید.

## منابع

- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۶). *اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار*. تهران: خوارزمی.
- اسناد وزارت امور خارجه ایران، سواد مکاتبات. ش ۱۰۴.
- اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد مکمل. ج ۵۴. ش ۱۶۲.
- اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد مکمل. ج ۶۰. ش ۳۴.
- اسناد وزارت امور خارجه ایران، کتابچه گزارشها و رسائل. ش ۶
- زورخر، اریک جی. (۱۳۹۷). *تاریخ نوین ترکیه*. ترجمه نفیسه شکور و حسن حضرتی. تهران: سمت.
- چریکف (۱۳۵۸). *سیاحتنامه مسیو چریکف*. ترجمه آباکار مسیحی. به کوشش علی اصغر عمران. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۶). *واکاوی اقدامات درویش پاشا در نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی ۱۲۶۶-۱۲۶۸*. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۹ (۲)، ۷۱-۹۰.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۸). *اشغال قطور و اقدامات میرزا جعفرخان مشیرالدوله (۱۲۶۵-۱۲۶۸ ق)*. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱ (۱۵)، ۳۷-۵۶.
- صالحی، نصرالله (۱۳۷۷). *اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنده‌الروم (۱۲۵۸-۱۲۶۴)*. تهران: مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه.
- صالحی، نصرالله (۱۴۰۰). *کمیسیون‌های تحدید حدود ایران و عثمانی و اسناد ارسالی به سفارت ایران در استانبول*. در مجموعه مقالات سومین کنفرانس تاریخ روابط خارجی ایران و مناطق پیرامونی. تألیف سید محمدکاظم سجادیپور. تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۲۸۶-۳۰۸.
- صفائی، ابراهیم (۲۵۳۵). *برگ‌های تاریخ (دوران قاجار)*. تهران: انتشارات بابک.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲). *حکومت سایه‌ها (اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- فرهادمتمد، محمود (۱۳۲۶). *سپهسالار اعظم، ج ۲: تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، دوره قاجاریه. جلد سوم ۱۲۷۱-۱۳۱۳ ق. (۱۳۷۰). تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- مزند یکانلو، میرزا مجبعلی خان ناظم‌الملک (۱۳۹۵). *مجموعه رسائل و لوايح تحدید حدود ایران و عثمانی ۹۰۷-۱۳۰۹ قمری*. تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی. تهران: طهوری.
- مزند یکانلو، میرزا مجبعلی خان ناظم‌الملک (۱۴۰۴). *روزنامه مأموریت اسلامبول (اسناد، مکاتبات و صورت‌مجالس کمیسیون دوم تحدید حدود، ۱۲۹۱-۱۲۹۶ هجری قمری)*. تصحیح و تحقیق: نصرالله صالحی. تهران: میراث مکتوب.

میرزا ملک‌خان (۱۴۰۰). مکاتبات میرزا ملک‌خان (در باب مناسبات ایران و عثمانی و امور بین‌الملل). به کوشش حسن حضرتی و نیلوفر میریلوک. تهران: دانشگاه تهران.

مشایخ فریدنی، آزر میدخت (۱۳۶۹). مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور. تهران: امیرکبیر.

نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه). ج ۳. تهران: کیهان.

هیل، ویلیام (۱۳۹۵). سیاست خارجی ترکیه، ۱۷۱۴-۲۰۰۰. ترجمه ناصر پورابراهیم. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

- Akar, E. & Özmenli, M. (2022). 1877-1878 Osmanlı-Rus Harbi (93 Harbi) Sırasında Tahran Sefareti'nin Faaliyetleri. *Turcology Research*, 74, 393-400.
- Ateş, S. (2013). *The Ottoman-Iranian Borderlands Making a Boundary, 1843-1914*. Cambridge University Press.
- Sarıkcıoğlu, M. (2013). *Osmanlı-İran Hudut Sorunları (1847-1913)*. Türk Tarih Kurumu Yayınları.
- Schofield, R. (ed.) (1989). *The Iran-Iraq Border (1840-1958)*. Vol.3: *Further delimitation efforts and disputes over Pusht-i-Kuh and Khotour, 1874-1897*. Archive Editions, University of Durham.

### Transliteration

- Abbasi, M. (1993). *The Shadow Government (Secret And Political Documents Of Mirza Hossein Khan Sepahsalar)*. Tehran: National Documents Organization Of Iran.
- Adamiyat, F. (1977). *Amirkabir Va Iran*. Tehran: Kharazmi.
- Adamiyat, F. (1978). *Andisheh-Ye Taraqqi Va Hokumat-E Qanun: Asr-E Sepahsalar*. Tehran: Kharazmi.
- Chirikov (1980). *Monsieur Chirikov's Travelogue*. Translated by Masihi, A. With Emran, A. Tehran: Habibi.
- Documents Of The Iranian Ministry Of Foreing Affairs, Additional Documents*. Vol. 54. N. 162.
- Documents Of The Iranian Ministry Of Foreing Affairs, Additional Documents*. Vol. 60. N. 34.
- Documents Of The Iranian Ministry Of Foreing Affairs, Booklet Of Reports And Letters*. N. 6.
- Documents Of The Iranian Ministry Of Foreing Affairs, Correspondence Literacy*. N. 104.
- Farhad Motamed, M. (1948). *Sepahsalar Azam*. Vol 2. Tehran: Ibn Sina's Library.
- Hale, W. (2016). *Turkish Foreing Policy, 1774-2000*. Translated by Pour-Ebrahim, N. Tehran: Pazhuheshkadeh-Ye Tarikh-E Eslam.
- Marandi Yekanluo, M. M. N. (2017). *Ruznameh-Ye Mamouriyyat-E Eslambul (Asnad, Maktubat Va Surat Majales-E Komisyon-E Dovvom-E Tahdid Hudud 1291-1296 AH)*. Edit by Salehi, N. Tehran: Miras-e Maktub.
- Marandi Yekanluo, M. M. N. (2025). *Majmueh-Ye Rasael Va Lavayeh-E Tahdid-E Hodud-E Iran Va Osmani*. Tehran: Tahuri.
- Mashayekh Feridani, A. (1990). *Border Issues Between Iran And Iraq And Their Impact On Relations Between The Two Countries*. Tehran: Amirkabir.
- Mirza Malkam Khan (2021). *Mokatibat-E Mirza Malkam Khan: Dar Bab-E Monasebat-E Iran Va Osmani Va Umur-E Beyn-Al-Melal*. By Hazrati, H. & Mirboluk, N. Tehran: University Of Tehran Press.
- Nasiri, M. R. (1992). *Asnad Va Mokatibat-E Tarikhi-Ye Iran (Qajar)*. Vol 3. Tehran: Keyhan Publishing Company.
- Safaei, E. (1977). *Leaves From History (Qajar Era)*. Tehran: Babak Publications.
- Salehi, N. (1999). *Documents On The Negotiation Process And The Conclusion Of The Second Erzurum Treaty*. Tehran: Ministry Of Foreign Affairs. Institute For Political And International Studies.
- Salehi, N. (2018). The Investigation Of Derwish Pasha's Actions In The First Iranian-Ottoman Demarcation Commission (1850-1852). *Historical Sciences Studies*, 9(2). 71-90.

- Salehi, N. (2020). The Occupation Of Qotur And Mirza Ja'far Khan Moshir Al-Dawlah's Actions (1265-1286AH). *Research Journal Of Iran Local Histories*, 8(15), 37-56.
- Salehi, N. (2022). Iranian And Ottoman Border Delimitation Commissions And Documents Sent To The Iranian Embassy In Istanbul .In *Collection Of Papers From The Third Conference On The History Of Foreign Relations Of Iran And Its Surrounding Regions*. By Sajjadpour, S. M. K. Tehran: Ministry Of Foreign Affairs. Institute For Political And International Studies, 286-308.
- Selected Iranian And Ottoman Political Documents, Qajar Period*. Vol 3. (1991). Tehran: Ministry Of Foreign Affairs. Institute For Political And International Studies.
- Zurcher, E. J. (2019). *Turkey A Modern History*. Translated by Shakoor, N. & Hazrati, H. Tehran: SAMT.

